

National Constitution and the Rule of Law in Afghanistan: An Educational Discourse

Dr. Yahia Baiza
The Institute of Ismaili Studies
London, United Kingdom
ybaiza@iis.ac.uk

Abstract

The basic philosophy of national constitutions is to legally limit the power of government and administration in a nation-state, by way of defining their duties and the rights and freedoms of citizens. The authority and legitimacy of a government and its administration depend on how well they observe these limitations. Given the fact that it is legally difficult to limit the power of governments as they strongly influence legislative and judiciary institutions, the key question in the current (post-)conflict context of Afghanistan is whether it is at all possible to ensure the government's transparency and hold it accountable to the law and public. Against this background, this paper presents the findings of an exploratory analysis of *how the rule of law, articulated in the 2004 national constitution, is observed in the field of education*. In other words, this paper enters the debate of national constitution and the rule of law through a qualitative analysis of education in the past 14 years. This paper addresses the above question through an in-depth analysis of the following subsidiary questions: *how the national constitution of Afghanistan defines the power of the governing institutions; how it arranges their duties and the rights of the citizens, particularly with regard to education; and in what ways the education ministries and related institutions act upon their constitutional responsibilities and mandates*.

This paper argues that education played an important role in the development of national constitution and state-building since the Bonn Agreement in December 2001. The Bonn Agreement, which opened a new chapter in the modern history of Afghanistan, formulated a roadmap that would lead the war-torn Afghanistan into a lasting peace, political stability, and restoring its sovereignty as an independent nation-state. This paper addresses the above questions and the presented argument through an analysis of (i) the security and political components of the Bonn Agreement and its subsequent economic and socio-political developments, (ii) the state of education during the interim constitution and its space in the 2004 national constitution, and (iii) the ways the education ministries and related institutions have acted upon their constitutional responsibilities and mandates, in order to develop a dynamic and vibrant education system.

Key terms: Afghanistan, national constitution, rule of law, education, education law

قانون اساسی و حاکمیت قانون در افغانستان: گفت‌وگو با آموزش و پرورش

دکتر یحیی بیضا
مؤسسه مطالعات اسماعیلی
لندن، بریتانیا
ybaiza@iis.ac.uk

چکیده

فلسفه بنیادی قوانین اساسی محدود کردن قانونمند قدرت حکومت و ادارات آن در دولت-ملت، از طریق تعریف وظایف آنها و تامین حقوق و آزادی شهروندان است. اقتدار و مشروعیت حکومت و ادارات آن وابسته به چگونگی تطبیق این محدودیت‌ها می‌باشد. با نگاه به این واقعیت که حکومت‌ها بر نهادهای قانونی و قضایی تاثیرگذار هستند، و محدود نمودن قدرت آن‌ها از طریق قانون دشوار بنظر می‌رسد، پرسش کلیدی در زمینه افغانستان این است که آیا در شرایط کنونی (پسا-)جنگ ممکن است شفافیت و پاسخگویی حکومت را در برابر قانون و مردم تضمین نمود. با در نظر داشت این واقعیت، این مقاله یافته‌های یک تحقیق تحلیلی را در مورد اینکه چگونه حاکمیت قانون در چهار چوب مواد قانون اساسی دلو 1382/ جنوری 2004 برای معارف تطبیق می‌گردد، برای بحث بیشتر پیشکش می‌نماید. به عبارت دیگر، این نوشته از طریق تحلیل کیفی رشد و چالش‌های معارف در 14 سال گذشته، وارد بحث قانون اساسی و حاکمیت قانون در افغانستان می‌گردد. این نوشته مضمون تحقیق و پرسش طرح شده را از طریق تحلیل ژرف سه پرسش متمم کاوش می‌نماید: چطور قانون اساسی ساحه قدرت نهادهای حکومتی را تعریف می‌نماید؛ چگونه وظایف نهادهای حاکم و حقوق شهروندان را، به ویژه با توجه به معارف، تنظیم می‌کند؛ و وزارت خانه‌های معارف و موسسات مرتبط از چه راه‌ها به مسولیت‌های شان در روشنایی احکام قانون اساسی برای رشد یک نظام معارف پویا و پر جوش می‌پردازند.

این نوشته استدلال دارد که آموزش و پرورش نقش ارزنده‌ای در تدوین قانون اساسی و رشد دولت سازی، پس از موافقتنامه بُن در دسامبر سال 2001، بازی نمود. موافقتنامه بُن، که فصل جدیدی در تاریخ معاصر افغانستان باز نمود، نقشه راهی برای بازسازی افغانستان جنگ‌زده و گذار آن بسوی صلح پایدار، ثبات سیاسی، و برگرداندن حاکمیت آن به عنوان یک دولت-ملت مستقل طرح نمود. در پرداختن به پرسش‌ها و استدلال ارائه شده، این مقاله (الف) با تحلیلی از اجزای امنیتی و سیاسی موافقتنامه بُن و پیامدهای اقتصادی و سیاسی-اجتماعی آن آغاز، (ب) بعد به تجزیه و تحلیل معارف در دوره قانون اساسی موقت و جایگاه معارف در قانون اساسی 2004/1382 پرداخته، (ج) به تدریج دامنه بحث را باریک‌تر ساخته و به تحلیل چگونگی عملکرد وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی و ادارات مرتبط، در پرتو احکام قانون اساسی، برای رشد و گسترش یک نظام پویا و پر جوش معارف تمرکز می‌نماید.

واژه های کلیدی: افغانستان، قانون اساسی، حاکمیت قانون، آموزش و پرورش، قانون معارف